

انتظار فرج

در باب انتظار فرج احادیث فراوانی از امامان معصوم نقل شده که بررسی آنها تنها مسیر ایمن برای فهم حقیقت فرج آن حضرت عجل الله تعالی فرجه می باشد که جز از عالمان فرهیخته و مسلط بر احادیث و آموزه های اسلام بر نمی آید. حضرت آیت الله امامی کاشانی در طول سالیان بسیار به این مهم پرداخته و در خطبه های روح بخش نماز جمعه به مناسبت های مختلف این موضوع را شرح و بسط داده اند. آنچه در این مقاله آمده برگردان یکی از این خطبه هاست. (۱)

«وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکننّ لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون»

«و خدا به کسانی که از شما بندگان که ایمان آورد و نیکوکار گردد وعده فرمود که در زمین خلافت دهد چنانکه هم امم صالح و پیغمبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن هر که کافر شود به حقیقت همان فاسقان تبه کارند.»

از جمیع علمای اسلام و محققان اسلام سنی و شیعی احادیث فرج نقل شده است. احادیث هم خیلی است. بنده این اخبار را از نظر مفاد به چند دسته تقسیم کردم که اولین دسته رابطه انتظار فرج با معرفت است.

در احادیث ما وقتی درباره منتظران فرج و امام عصر صحبت می شود بحث معرفت و شناخت و دعای برای معرفت آن حضرت مطرح است. البته این احادیث متعدد است. بنده به عنوان نمونه به یک بخش از یک حدیث اشاره می کنم.

عن زرارة قال سمعت ابا عبدالله (ع) يقول «انّ للقائم غيبةً قبل ان يقوم قال قلت و لم قال يخاف و اوماً بيده الى بطنه ثمّ قال يا زرارة و هو منتظر» (۲)

زراره می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: «مهدی صاحب‌الزمان غیبت خواهد داشت قبل از قیامش بعد فرمود: یا زراره دنیا منتظر اوست و در عصر غیبت مردم دچار اختلاف می‌شوند و عقاید سست می‌شود. زراره می‌گوید اگر من درک کردم این زمان را چه کنم؟ امام صادق فرمود: این دعا را صبح و شب بخوان. (صباحاً و مساءً) عرض کن:

اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک» (۳)

خدایا خودت را به من بشناسان، اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نشناخته‌ام.

«اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک»

خدایا پیامبرت را به من بشناسان اگر پیامبرت را به من شناسانی حجت تو را نشناخته‌ام.

«اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی»

حجتت را به من بشناسان اگر حجتت را نشناختم گمراه شدم.

اگر راه را نشناختم هم در نبوت لغزیدم هم در توحید سر در گم هستم. بنابراین اساس این است که حجتت را بر من بشناسانی. در این احادیثی که درباره انتظار از شیعه و سنی متعدد است یک حدیث این است.

در اینجا اصرار اینکه انسان دعا کند و عرض کند خدایا حجتت را به من بشناسان، شناخت حجت خدا و ولی خدا و امام زمان ارواحناله فداء مانند سایر ابعاد مختلف عبادی از راه‌های مختلفی است. بهترین ابزار برای شناخت دل است البته عقل و حس هم هست، اما بنده بحث شناخت را ندارم و اینکه دل از ابزار شناخت است همه فلاسفه اسلام مخصوصاً عرفاً اصرار دارند و حتی از فلاسفه غرب هم بسیاری از آنها که بنده مروری کردم به اینکه دل یکی از راه‌های شناخت است معتقدند از راه قلب دو امتیاز دارد یکی این است که وقتی آدم از راه دل می‌خواهد ولی خدا را بشناسد از درون شناخته نه از فطرت و به قول علامه طباطبایی رضوان‌الله تعالی علیه در تفسیرالمیزان می‌گوید:

«و ینادی من مکان البعید»

آنجا که از بیرون استدلال می‌کند از راه دور ندا را شنیده است غیر از این است که از درون بشنود. نکته دوم این است که وقتی انسان از درون وارد شد شناخت علمش حضوری است ولی استدلال از طریق عقل است و سیر حق علمش حضوری است، اینکه آدم از راه عقل و فطرت بشناسد و از راه دل آدم بشناسد این مهم است. حالا بیاییم و به دلمان برگردیم و ببینیم که آیا ما امام عصر را می‌شناسیم؟ به چه نحو می‌شناسیم؟ اگر به قلوب خودمان برگردیم و ببینیم که ما دنیا را می‌شناسیم، غذا را می‌شناسیم، انواع شهوت را می‌شناسیم، شناختمان در بعد معنا ضعیف خواهد بود. هرچه شناخت و حرکت دل البته

نمی‌توانم بگویم حرکت دل، حرکت انسان باید بگویم، چون این دو دو حرکت هستند یک دفعه دل حرکت می‌کند، نفس انسانی حرکت می‌کند و این به سوی حق حرکت می‌کند. یک دفعه بشر حرکت می‌کند ولی سیرش به سوی باطل است و لذا باید به این توجه کرد که چه وقت آدم می‌تواند آن را بشناسد؟ وقتی که انسان از غذاهای حرام دوری کند، از پول حرام دوری کند زبانش را از تهمت و دروغ مصون کند، گوشش را از کلمات باطل محفوظ نگه دارد. اگر انسان تقوا داشت ورع داشت در مسیر الهی است. آنجا قرآن کریم می‌فرماید:

«قد افلح من زكّاه» (۴)

«هر که خود را منزّه سازد رستگار خواهد بود.»

و لذا عرفا همه بر آنند که از راه دل معرفت حاصل می‌شود ولی این دل باید تزکیه پیدا کند. باید قلب صفا پیدا کند اگر انسان صفا یافت آن وقت می‌تواند حقایق را ببیند. مشکل اینجاست. خوب است این حقیقت را از زبان مقدس امیرالمومنین در نهج‌البلاغه خطبه ۱۴۴ بشنوید:

«این العقول المستصبحة بمصايح الهدى و الابصار الآمحة الى منار التقوى این القلوب التي وهبت لله و عوقدت على طاعة الله»

کجاست خردهای روشن‌جو از چراغ‌های رستگاری؟ و دیده‌های نگرنده به نشانه‌های پرهیزگاری؟ کجاست دل‌هایی که بخشیده در راه رضای کردگار بوده‌اند و بر طاعت پروردگار پیمان بسته‌اند. امیرالمؤمنین می‌فرماید کجا هستید دل‌هایی که با هدایت پیش می‌روند، عقل‌هایی که با چراغ هدایت حرکت می‌کنند. کجا ایند انسان‌هایی که چشمانشان با تقوا می‌چرخد و سیر می‌کند. کجاست آن دل‌هایی که خودشان را به خدا بخشیدند و در راه خدا حرکت می‌کنند. آن دل‌ها کجا هستند. بعد برمی‌گردد به سراغ فاجران و گنهکاران و فاسقان، عده‌ای که چنین هستند. می‌فرماید: «ازدحموا على الحطام» بر حطام دنیا و مقام‌ها و کرسی‌ها و میز و صندلی‌ها و پول‌های هرچه و از هر کجا تکیه کرده‌اند به این دنیا هجوم آورده‌اند.

به حرام تمایل جستند

«و رفع لهم علم الجنة و النار فصرفوا عن الجنة و جوههم و اقبلوا الى النار باعمالهم»

اینها دل‌هایشان از پرچم و علم بهشت روگردان شد و رها کردند و دل‌ها را متوجه پرچم دیگری کردند که آن پرچم دیگر، پرچم جهنم بود.

حالا ما که می‌خواهیم در طریق امام عصر حرکت کنیم انتظار یعنی همه ارزشها چون انتظار امری ایجابی است نه سلبی. همه انتظار دارای برکت و خیر است. این خود بحث دیگری است که باید در

جایی دیگر و خطبه دیگری عرض کنم. منتظر و به انتظار منتظر بودن یعنی به انتظار جامعه حق و زیر تقوا به سر بردن. این شناخت آن پرچم و آن صاحب پرچم است که آدم آن راه را حرکت کند. اگر ما به دنبال امام عصر رفتیم، اگر ما به قلبمان صفا دادیم، آن وقت است که ما می‌توانیم مرتبط با او شویم. چون با دل مرتبط شدن غیر از عقل و قرآن است. با دل مرتبط شدن، باید دل هم‌سنخ با آن حضرت شود. باید قلب نزدیک آن حضرت شود. یعنی به انسانی نزدیک شود که چهره خداست. مظهر اسماء الحسنی است. نزدیک شدن با او با دل یعنی هماهنگ شدن با او، وقتی ما در زیارت آل یاسین عرض می‌کنیم:

«السلام عليك يا داعي الله و ربّاني آياته» (۵)

سلام بر تو که به خدا دعوت می‌کنی

«السلام عليك يا تالي كتاب الله و ترجمانه»

سلام بر تو که مجسمه کتاب خدایی

«السلام عليك حين تقوم و تقعد»

سلام بر قیام تو سلام بر قعود تو سلام بر رکوع تو.

یعنی امام زمان من هم اهل قیام، اهل رکوع، اهل سجود، اهل قعود. سلام بر تو در وقتی که در طلوع صبح نماز می‌خوانی. اگر گفتم سلام بر تو وقتی قنوت نماز می‌خوانی ولی خودم خواب بودم این مرتبط است. وقتی عرض کردم سلام بر تو وقتی که «تقنت و تشهد» قنوت می‌خوانی و تشهد نماز را می‌خوانی. ای امام زمان تو چگونه با خدا راز و نیاز می‌کنی، چطور قنوت می‌خوانی. من به تو سلام می‌کنم. اگر قرائت ما در وقتی بود که در دنیا می‌یم، رکوع و سجود ما وقتی است که می‌خواهیم با او رکوع کنیم. بنیم رکوع او چیست و چه وقت است.

«السلام عليك في آناء ليلك و اطراف نهارك»

امام عصر روز و شب تو چگونه سپری می‌شود. سلام بر تو، لحظات روز و شب تو. من به همین ساعت ساعت و دقیقه دقیقه وقت تو سلام می‌کنم. حالا اگر آن ساعت من در گناه بودم، اگر آن ساعت شکم من از مال حرام سیر شده بود این چه سلامی است و چه ارتباطی است. آن وقتی که ما این سلام‌ها را می‌دهیم می‌گوییم:

«فاشهد على ما اشهدتك عليه و انا وليّ لك برىء من عدوك»

پس شهادت می‌دهم بر آنچه که تو شهادت می‌دهی بر آن و من ولی توام و از دشمنانت بیزارم.

من تولى و تبرى دارم. اين راه و اين سير و اين خط حرکت خطى است خيلى زنده، خط نور، خط معنويت و خط دل که با تقوا بايد حرکت کند. بنده فکر مى‌کنم مرحوم علامه اقبال لاهورى نه تنها در اين زمينه بحث کرده بلکه اصلاً از راه دل شعر گفته شعرهاى خوبى است:

زنده‌اى يا مرده‌اى يا جان به لب
از سه شاهد کن شهادت را طلب
شاهد اول ز نور خویشتن
خویش را دیدن به نور خویشتن
شاهد ثانى ز نور ديگر است
خویش را دیدن به نور ديگرىست
که بنده فکر مى‌کنم سير از حق به سوى خلق را مى‌خواهد بگويد.

شاهد الثالث شعور ذات حق
خویش را دیدن به نور ذات حق
اين همين است که انسان از راه فطرت و دل به خدا مى‌رسد، انتظار فرج و ظهور حق يك وظيفه‌اىست
برای ما و دعا برای اينکه معرفت به آن حضرت پيدا کنیم. بنده اين را بعنوان طليعه بحتم عرض کردم.
انشاءالله در هر خطبه‌اى بخشى از روايات انتظار فرج را عرض مى‌کنم. در پايان خطبه‌ام يك حمد و سپاس و وصيت به تقوايى هم از اميرالمومنين بشنويد:

«الحمد لله غير مقنوطٍ من رحمته» (۶)

«و نخمده كما حمد نفسه و كما هو اهله و نستعينه و نستغفره»

حمد خدا را که هيچ کس از رحمت او مأیوس نيست.

خدایا ما از تو مى‌خواهيم که کمک کنی ما را به مغفرت و هدايت

«و نشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له يعلم ما تخفى النفوس و نشهد ان محمداً عبده و نبيه و رسوله»

و در پايان هم مى‌فرمايد:

«و ان اليوم المضمار و غداً السباق و السبقة الجنة و الغاية النار الا فلا تائب»

امروز روز مسابقه است ولى نتیجه مسابقه در آخرت است. تمام اين فاکتوربندي‌ها، دوندگي‌ها در دنياست ولى وقتى به آن عالم رفتيم نتیجه مسابقه آنجا معلوم مى‌شود.

پي‌نوشت‌ها:

۱. خطبه نماز جمعه تهران به امامت آيت الله امامى کاشانى در تاريخ ۷۸/۶/۱۹ مطابق با ۲۹ جمادى الاول ۱۴۲۰
۲. اعلام الورى، ص ۴۳۱، فصل الثانى - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، باب ۳۲ - فضل انتظار الفرج
۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷، باب ۳۱ - ما خرج من توقعاته

٤. سورة شمس ، آية ٩
٥. زيارت آل ياسين ، مفاتيح الجنان
٦. من لا يحضره الفقيه ، ج ١ ، ص ٥٦٤ - باب صلاة العيدين